

در جست و جوی «تفسیر القرآن» یونس بن عبدالرحمن^{علیه السلام}؛ بازیابی، اعتبار و محتوا

علی راد^۱

نجمه کمالی نیا^۲

چکیده

یونس بن عبدالرحمن^{علیه السلام} از راویان شاخص شیعه، در دوره امام صادق، امام کاظم و امام رضا^{علیهم السلام} است. جلالت مقام او نزد امامان^{علیهم السلام}، گستره دانش دینی، ژرفای فهم، دلدادگی به اهل بیت^{علیهم السلام}، استواری بر امامت، مکتوبات حدیثی متنوع و در شمار اصحاب اجماع امامیه بودن، از جمله خصایص شخصیتی وی به شمار می‌رود. در منابع رجالی و تراجم نگاری، اثری با عنوان «تفسیر القرآن» در کارنامه وی گزارش شده است. هر چند محدثان شیعه، در آثاری که تا قرن پنجم هجری به نگارش درآورده‌اند، از وجود این تفسیر خبر داده‌اند، لکن به مرور، نسخه آن مفقود شده و امروزه اصل آن در دسترس نیست. این پژوهش، فرضیه امکان بازیابی این تفسیر را با بهره‌گیری از شیوه‌های جدید بازیابی میراث مفقود، به بوته سنجش سپرده است. نتایج پژوهش، ضمن تأیید اصالت این تفسیر در قرن سوم هجری، بازیابی آن را ممکن و عملی دانسته و اعتباری شایسته برای روایات آن به اثبات رسانده است.

کلیدواژه‌ها: تفاسیر امامیه، تفسیر یونس بن عبدالرحمن^{علیه السلام}، تفاسیر مفقود، تفسیر روایی، اعتبار سنجی روایات.

درآمد

یونس بن عبد الرحمن^{علیه السلام}، با کنیه «ابومحمد» و معروف به «مولی آل یقین» و «مولی علی

۱. استادیار دانشگاه تهران - پردیس فارابی (ali.rad@ut.ac.ir).

۲. کارشناسی ارشد تفسیر روایی دانشگاه قرآن و حدیث قم.

بن یقظین»، در دوران زمامداری هشام بن عبد الملک (بین ۱۰۵ تا ۱۲۵ق) به دنیا آمد و در ابتدای سده سوم قمری در مدینه از دنیا رفت (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۴۶). وی هر چند با امام صادق علیه السلام معاصر بوده است، اما در نقل بدون واسطه روایت از ایشان، اختلاف نظر است. دیدگاه مشهور، نقل بی واسطه وی از امام صادق علیه السلام را نفی نموده است (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۸۵). دیدگاه دوم، احتمال نقل یونس از امام ششم را منتفی ندانسته است (رک: خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۲۴۱؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۰، ص ۱۶؛ کلباسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۵ و ۱۸۶).

یونس، از اصحاب خاص امام کاظم و امام رضا علیهما السلام بوده و به طور مستقیم و غیر مستقیم، از این دو بزرگوار حدیث نقل نموده و از جمله اصحاب اجماع معرفی شده است (کشی، پیشین، ص ۵۵۶). این شخصیت برجسته، در روزگار خود و پس از حیات، آماج تهمت، تضعیف و بی مهری برخی از شیعیان قرار گرفت که در گزارش منابع رجالی و حدیثی بازتاب یافته است (همو، ص ۴۹۲ - ۴۹۷). طوسی به این نکته اشاره کرده (طوسی، ۱۳۷۳ق، ص ۳۴۶ و ۳۶۸) و کشی بدان تصریح دارد (کشی، پیشین، ص ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۵۵۶).

با وجود بعضی از روایات در مذمت یونس، هیچ یک از رجالیان متقدم و متأخر در وثاقت و جایگاه او تردید نکرده و بروثاقت او تأکید ورزیده اند. عباراتی نظیر: «کان وجهاً فی أصحابنا متقدماً عظیم المنزلة» (نجاشی، پیشین، ص ۴۴۷، ش ۱۲۰۸)، «ثقة» و «وهو عندی ثقة» (طوسی، ۱۳۷۳ق، ص ۳۴۶ و ۳۶۸؛ حلی، ۱۳۴۲ش، ص ۵۲۸)، «علامة زمانه» (ابن ندیم، بی تا، ص ۲۷۶)، «از اصحاب اجماع و گاه افقه آنها» (کشی، پیشین، ص ۵۵۶، ش ۱۰۵۰) و «ثقة، جلیل» (تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۳۲۲) از آن جمله است.

کشی، پس از نقل روایات جرح یونس، اظهار تعجب نموده، به رد آنها می پردازد. وی حدود بیست روایت در مدح یونس و جایگاه او نزد امامان علیهم السلام گزارش نموده است. در این روایات، شاهد «ارجاع اصحاب در حکم و فتوا به یونس و اخذ معالم دین از وی»، «تأیید کتاب یوم و ليله او»، «تأیید یا دعا در حق یونس»، «تضمین بهشت برای وی» و «خواندن او به عنوان سلمان زمانه خود» هستیم (کشی، پیشین، ص ۴۹۷). برخی از صاحب نظران معاصر نیز روایات تعدیل و جرح یونس را بررسی و به تفصیل، به رد و تضعیف آنها پرداخته اند (رک: خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۰، ص ۲۱۰ - ۲۱۷؛ شوشتری، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۱۷۹ - ۱۸۴).

یونس دارای تصنیفات متعدد (بیش از سی کتاب) در موضوعات متنوع فقه، عقاید شیعه، حدیث، ادعیه، تفسیر قرآن و... بوده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۵۱۲؛ نجاشی، پیشین، ص ۴۴۸؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ص ۱۶۷). به گزارش کشی از فضل بن شاذان، یونس یک هزار مکتوب در رد مخالفان شیعه نگاشت (کشی، پیشین، ص ۴۸۵، ش ۹۱۷). متأسفانه، بخش بزرگی از این میراث گران سنگ و نسخه‌های آنها در گذر تاریخ، از میان رفته و به دست ما نرسیده است، ولی گزارش منابع رجالی، تاریخی و روایی از وجود و رواج آنها تا چند سده پس از دوران حضور و انتقال بسیاری از این اطلاعات به قرون بعد حکایت دارند و اکنون قابل بازیابی هستند.

بازیابی میراث مفقود حدیثی، رهیافتی جدید است که در سال‌های اخیر توجه حدیث پژوهان را برانگیخته است و در برخی از مراکز آموزشی و پژوهشی، چون مؤسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث قم، بازیابی تفاسیر مفقود روایی امامیه، با این رهیافت، در حال انجام است.^۳ مقاله حاضر، گزارشی از نتایج یکی از طرح‌های پژوهشی پایان یافته در این نهاد آموزشی و پژوهشی است.

سوگمندانه باید اعتراف کنیم که در باره شخصیت فاخر و کم نظیر یونس بن عبدالرحمن علیه السلام، پژوهشی جدی در بازنمایی جایگاه و سهم وی در تاریخ اندیشه شیعه، به ویژه در حدیث، تفسیر و کلام امامیه صورت نگرفته یا توفیق نشر نیافته است. به نظر می‌آید پژوهش حاضر، نخستین تلاش روشمند در بازیابی و اعتبارسنجی کتاب تفسیر وی باشد که گامی لرزان در توجه دادن پژوهشیان به ضرورت و اهمیت پژوهش‌های بازیابی میراث تفسیری اصحاب ارحمند و نشست بر سستی معرفت و ولایت، چون یونس به شمار می‌آید و امید است به الگویی برای بازیابی قرآنیات اهل بیت علیهم السلام تبدیل شود.

از این رو، مساله اصلی این مقاله، روایات تفسیری یونس در میراث امامیه، با فرضیه امکان بازیابی کتاب تفسیر وی است. این مقاله، با محوریت کتاب تفسیر یونس، به مباحثی چون اصالت و امکان، روش بازیابی، طرق و اسناد، اعتبارسنجی و تحلیل محتوای روایات آن پرداخته است.^۴

۳. از جمله تلاش‌های انجام شده در این زمینه، بازیابی تراث قرآنی ابان بن تغلب، تفسیر ابوجارود، تفسیر ابو حمزه بطنانی و... است.

۴. گفتنی است که نتایج گزارش ارائه شده در این مقاله، در بخش گونه‌شناسی و اعتبارسنجی، به دلیل ضیق مجال، در طرح تمام نتایج، تا پایان سوره توبه است.

۱. اصالت کتاب و امکان بازیابی

مقصود ما از بازیابی، در این پژوهش، «گردآوری قطعات پراکنده یک متن مفقود از متون بعدی و چینش آنها در کنار هم» است (عمادی حایری، ۱۳۸۸ ش، ص ۶۰) که پس از اثبات وجود اثر منتسب به راوی، معنا خواهد یافت و اولین گام در بازیابی یک اثر مفقود، اثبات اصل وجود آن است که از آن به عنوان «اصالت متن» در بازیابی یاد می‌کنیم. ضروری است پیش از اقدام به بازیابی اثر، اصالت آن، مستند به ادله متقن، به اثبات برسد. اصالت کتاب تفسیر یونس بن عبد الرحمن به کمک قراین زیر قابل اثبات است:

۱-۱. ثبت در کتب فهارس امامیه

نجاشی از کتاب *تفسیر القرآن* یونس بن عبد الرحمن، به همراه سایر آثار مکتوب وی، با ذکر طریق خود، نام برده است:

و کانت له تصانیف کثیرة، منها: کتاب السهو، ...، کتاب تفسیر القرآن ... (نجاشی، پیشین، ص ۴۴۷ - ۴۴۸).

شیخ طوسی نیز کتاب تفسیری وی را، با ارجاع به عناوین کتاب‌های حسین بن سعید، گزارش کرده و بیش از بیست طریق خود را به کتاب‌های او بیان نموده است (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۵۱۱). گرچه این دلیل، در اثبات اصالت تفسیر یونس، کافی به نظر می‌رسد، ولی قراین ذیل نیز اصالت این تفسیر را تقویت می‌کنند.

۱-۲. فراوانی روایات قرآن‌شناسی یونس بن عبد الرحمن

گزارش دست‌کم بیش از دویست روایت با محتوای قرآن‌شناسی از یونس در جوامع روایی شیعه - که گاه با طرق رجال نجاشی و طوسی نیز یک‌سان هستند - قرینه‌ای بر اصالت کتاب تفسیر وی است که به گمان قوی، از تفسیر یونس در این آثار گزارش شده‌اند. شمار زیادی از این روایات نیز، با چند سند مشابه، در منابع متقدم گزارش شده‌اند که یونس در سند آنها حضور دارد. این موضوع، بر اساس اصول بازیابی (عمادی حایری، پیشین، ص ۱۶؛ مردانی، ۱۳۹۳ ش، ص ۸۳)، می‌تواند نشان دهنده طریق صاحبان جوامع به تفسیر یونس و قرینه‌ای بر نقل از آن باشد؛ گرچه احتمال نقل این روایات توسط صاحبان جوامع اولیه از تفاسیر واسطه میان خود تا تفسیر یونس (مثل تفسیر علی بن ابراهیم و محمد بن عیسی) منتفی نیست، ولی این موضوع، با توجه به وجود کتاب تفسیر یونس در عصر آنان، بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا معاصرت یونس با اهل بیت علیهم‌السلام، شخصیت و شهرت او و این که از اصحاب اجماع نیز

بوده، عامل مهمی است که صاحبان آثار را به نقل مستقیم از کتاب او سوق دهد تا با این انتساب، براعتبار اثر و اعتماد مخاطبین بیفزایند.

۱- ۳. انعکاس کتاب تفسیر یونس در آثار مکتوب پسین

میراث تفسیری یونس، هم چون سایر آثار این دوره، از طریق حدیث نگاران سده‌های نخستین، به جوامع حدیثی و منابع تفسیری پسین راه یافت. از این رو، شاهد حضور او، در زنجیره سند احادیث متعدد، با محتوای قرآنی هستیم. در سده سوم هجری، در اسناد برخی از احادیث تفسیری المحاسن برقی و بصائر الدرجات صفار، نام یونس بن عبدالرحمن دیده می‌شود. در سده چهارم، در اسناد روایات متعدد تفسیری الکافی، نام یونس ثبت گردیده است. نیز در کتاب‌های ابن بابویه، نظیر کتاب من لایحضره الفقیه، الامالی، التوحید، معانی الاخبار و علل الشرائع.

در قرن بعد نیز، در التهذیب والاستبصار، نه تنها نام او در زنجیره اسناد کتاب‌های شیخ طوسی دیده می‌شود، بلکه او در مشیخه التهذیب والاستبصار، از بعضی طرق خود به کتاب‌های وی سخن می‌گوید. منابع رجالی (رجال النجاشی و فهرست الطوسی) نیز در همین سده، از طرق خود به کتاب‌های یونس، از جمله تفسیر وی، سخن به میان آورده‌اند. نام او در سند برخی از روایات، در تفاسیر روایی متقدم (قمی، فرات و عیاشی) نیز به چشم می‌خورد که به نظر می‌آید سند این احادیث حاکی از نقل از کتاب وی باشد.

پس از اطمینان از اصالت کتاب تفسیر یونس و اطمینان از دست‌یابی صاحبان جوامع حدیثی اولیه به کتاب و نقل از آن و انعکاس آن در آثار ایشان، می‌توان ادعا کرد که گرچه اصل تفسیر او به دست ما نرسیده است، ولی با توجه به شخصیت و اعتبار وی در میان محدثان، بیشتر روایات او حفظ گردیده و به جوامع حدیثی ما راه یافته است و اکنون بیشتر تفسیر او قابل بازیابی است. در ادامه، به روش‌های بازیابی آن می‌پردازیم.

۲. روش‌های بازیابی

از جمله تلاش‌های علمی معاصر در بازیابی متون کهن، ارائه روش و مبنا، برای دست یافتن به نتایج علمی و دقیق‌تر بوده است. این روش‌ها را می‌توان در سه عنوان «روش کتاب‌شناختی، محتوایی و اسنادی» دسته‌بندی نمود. با استفاده از دور روش اول، می‌توان به شناسایی منابع گزارش‌کننده از کتاب مفقود و محتوای منبع مفقود، دست یافت و از طریق

روش‌های اسنادی می‌توان انتساب متون موجود به منبع مطلوب را بررسی نمود.^۵

در بازیابی تفسیر یونس، با استفاده از این روش‌ها، به این امر مهم اقدام نمودیم. در این راه، با تحلیل محتوایی و کتاب‌شناختی و با تکیه بر این اصل که با وجود از میان رفتن میراث مکتوب کهن شیعه، بخش عظیمی از آن به آثار مکتوب پس از خود راه یافته، به تفحص در میان منابع روایی متأخر از یونس پرداخته و تمامی روایات نقل شده از یونس را با محتوای تفسیری - قرآنی از منابع پسین استخراج نمودیم؛ زیرا سازگاری محتوای روایت با موضوع کتاب مفقود از مهم‌ترین و قوی‌ترین قراین متنی است که اخذ حدیث از منبع مکتوب را به اثبات می‌رساند.

این روش، اولین گامی است که در پژوهش به کار گرفته شد و روایاتی از برآیند آن به دست آمد. سپس با استفاده از روش اسنادی، به پی‌جویی طرق موجود به کتب یونس پرداخته و اسناد روایات را بررسی کردیم. بدین وسیله، هرگاه سند روایتی از یونس، با یکی از طرق شناسایی شده مطابقت داشت، احتمال نقل روایت از کتاب یونس تقویت گردید.^۶ هم‌چنین، در روایاتی که با اسناد مشابه، زنجیرهٔ راویان آنها به یونس می‌رسید، از این روش بهره جستیم. بنا بر این، در این روایات نیز احتمال نقل از تفسیر یونس تقویت گردید؛ به عنوان نمونه، *الکافی*، روایات متعدد تفسیری را با سند «علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس بن عبدالرحمن» گزارش نموده است.

با توجه به اثبات وجود کتاب تا قرن پنجم، این احتمال تقویت می‌شود که مرحوم کلینی کتاب یونس را در اختیار داشته و با توجه به شخصیت یونس بن عبدالرحمن، این احتمال قوی است که روایات را از کتاب او نقل نموده باشد؛ نه از منابع واسطه و کتاب‌های شاگردان وی. البته لازم است به این نکته اشاره کنیم که در باره تعدادی از روایات گردآوری شده در این پژوهش، با موضوعات فقهی و کلامی و اخلاقی، به خصوص روایاتی که به صراحت به آیهٔ مورد بحث پرداخته‌اند، با توجه به تنوع موضوعی نگاشته‌های یونس، نمی‌توان به قطع یا ظن قوی رسید که به طور خاص از کتاب تفسیر یونس گزارش شده باشند؛ هر چند که از نگاشته‌های یونس نقل شده‌اند.

۵. برای آشنایی بیشتر با این روش‌ها، رک: راد، «شیوه‌های بازیابی میراث مفقود اسلامی».

۶. البته در این که منابع متقدم، حدیث را از کتاب یونس نقل نموده‌اند یا از منابع واسطه، مثل تفسیر علی بن ابراهیم و محمد بن عیسی نمی‌توان به یقین رسید، ولی روایاتی که سند آنها با طرق معرفی شده نجاشی و شیخ طوسی به کتاب‌های یونس هم‌خوانی داشته باشد، گزینه‌ای قوی بر احتمال نقل از کتاب یونس خواهد بود.

۳. نتایج بازیابی روایات کتاب تفسیر یونس بن عبد الرحمن

در بازیابی کتاب تفسیر یونس بن عبد الرحمن، با استفاده از روش محتوایی و کتاب شناختی، به دو دست و نه روایت با محتوای قرآنی دست یافتیم. در روایات ناظر به ده جزء اول قرآن - که نتایج آن در این مقاله ارائه می شود - از روش های اسنادی و قرآینی سند، نیز استفاده نمودیم. بدین ترتیب، انتساب ۵۷ حدیث، از میان هشتاد روایت، به کتاب یونس، قوت بیشتری یافت؛ هر چند در این مورد نتوان ادعای قطع نمود، ولی به احتمال نزدیک به یقین، این روایات در کتاب تفسیر یونس وجود داشته است که به طور مستقیم یا از طریق نگاشته های مورد وثوق شاگردان وی، به نگارندگان جوامع حدیثی، مثل کلینی در *الکافی*، رسیده است و به دلیل اعتبار شخصیت یونس، و امکان دسترسی کلینی به کتاب های وی، نقل بدون واسطه او از کتاب یونس به احتمال، نزدیک تر است. تفصیل و قرآینی انتساب این روایات تفسیری به یونس به شرح زیر است:

۳-۱. اسناد مشابه

اگر روایات زیادی از یک مؤلف متقدم، با سند واحد نقل شود، به ویژه اگر همه با هم در یک جا نقل شوند، به احتمال زیاد، از همان اثر مکتوب متقدم سرچشمه گرفته اند (مدرسی، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۵ - ۱۶). بر این اساس، پنجاه روایت تفسیری از یونس، به شرح زیر بازسازی گردید:

الف) چهل و پنج روایت تفسیری در *الکافی* و یک روایت در *امالی الطوسی*، به نقل از مرحوم کلینی، با سند مشترک «علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس» گزارش شده اند. این سند با بخشی از طریق شیخ طوسی در *مشیخه الاستبصار* نیز هم خوانی دارد.^۷ تعدد اسناد مشابه و یک سان بودن سند با بخشی از طریق، دو قرینه بر انتساب این روایات به کتاب یونس هستند. روایاتی که در کتاب *الکافی* گزارش شده اند، ناظر به آیات: «حمد: ۱؛ بقره: ۶۱، ۱۰۶، ۱۸۵، ۱۸۷، ۲۳۸، ۲۶۰، ۲۶۷، ۲۶۹ (دو روایت)؛ آل عمران: ۶۷؛ نساء: ۱۱ و ۱۲ (شش روایت فقهی)، ۲۴ (سه روایت فقهی)، ۳۱، ۴۳، ۴۸ (دو روایت)، ۵۹ (دو روایت)، ۹۲ (سه روایت)، ۹۷ تا ۱۰۰ (سه روایت)؛ مائده: ۳۳ (دو روایت)؛ اعراف: ۲۸، ۴۶ - ۴۸ و ۱۷۲؛

۷. *تہذیب الاحکام* نیز یازده مورد از این روایات را با همین طریق گزارش کرده بود و شش مورد از آنها نیز به طور مستقیم از یونس است. کتاب *من لایحضرہ الفقیہ* نیز دو مورد را، یکی از طریق پدر و یکی از طریق خود، از *الکافی*، با همین سند گزارش کرده بود و یک مورد را به طور مستقیم از یونس و دو مورد را با طریق دیگری از طرق شیخ طوسی در *الفہرست*.

انفال: ۷۵ (دو روایت)؛ توبه: ۵۳ - ۵۵، ۶۰ (دو روایت)، ۱۰۵، ۱۱۵، ۱۲۲» هستند^۸ و روایت الامالی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۹، ح ۴۰۴) نیز متناسب با «بقره: ۲۳۱» است. (ب) سه روایت، با دو سند مشابه،^۹ در شواهد التنزیل (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۳۴، ح ۱۴۵؛ ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۱۸۵؛ ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۲۶۵) گزارش شده است و یک روایت، با دو سند، در تفسیر العیاشی (ج ۱، ص ۳۵۴، ح ۴). به نظرمی رسد یکی از اسناد آن، با سند شواهد التنزیل یک سان است و این دو سند، به ظاهر، طریق عیاشی به تفسیر یونس است. وجود این طریق در رجال الکشی، قرینه دیگری بر این موضوع است (کشی، پیشین، ص ۳۲). این روایات، به ترتیب، ناظر به آیات: «بقره: ۲۶۵؛ آل عمران: ۱۷۲؛ اعراف: ۴۴ و انعام: ۱» گزارش شده اند.

۳-۲. یک سان بودن سند با طریق یا بخشی از طریق

یک سان بودن سند با طریق یا بخشی از طریق، قرینه ای بر انتساب روایت به صاحب کتاب است (مدرسی، پیشین، ص ۱۵). این قرینه در تأیید انتساب^{۱۰} روایت^{۱۰} به کتاب تفسیر یونس مورد استفاده قرار گرفت:

۸. متقدم ترین منبعی که این روایات را با این طریق نقل نموده، الکافی است. در این جا نشانی هر روایت، به ترتیب مذکور، ذکر می گردد:

سوره حمد: ج ۳، ص ۳۱۳؛ ح ۱؛ بقره به ترتیب: ج ۲، ص ۳۷۱؛ ح ۶؛ ج ۷، ص ۱۷۷؛ ح ۳؛ ج ۴، ص ۱۱۸؛ ح ۳؛ ج ۳، ص ۲۶۷؛ ج ۲، ص ۳۹۹؛ ح ۱؛ ج ۲، ص ۲۸۴؛ ح ۱۷؛ ج ۱، ص ۱۸۵؛ ح ۱۱؛ ج ۲، ص ۲۸۴؛ ح ۲۰؛ سوره آل عمران: ج ۲، ص ۱۵؛ ح ۱؛ سوره نساء: شش روایت متناسب با آیات ۱۱ و ۱۲؛ ج ۷، ص ۹۳؛ ح ۱؛ ج ۷، ص ۹۱ و ۹۲؛ ح ۱؛ ج ۷، ص ۹۸؛ ح ۳؛ ج ۷، ص ۹۶؛ ح ۱؛ ج ۷، ص ۱۰۱؛ ح ۳؛ ج ۷، ص ۱۰۲؛ ح ۴؛ آیه ۲۴؛ ج ۷، ص ۱۷۸؛ ح ۴؛ ج ۷، ص ۱۷۸؛ ح ۶؛ ج ۷، ص ۱۷۹؛ ح ۷؛ آیه ۳۱؛ ج ۲، ص ۲۷۷؛ ح ۳؛ آیه ۴۳؛ ج ۳، ص ۶۲؛ ح ۴؛ آیه ۴۸؛ ج ۲، ص ۲۸۴؛ ح ۱۹ و ۱۸؛ آیه ۵۹؛ ج ۱، ص ۲۸۶؛ ح ۱؛ ج ۲، ص ۲۱؛ ح ۹؛ آیه ۹۲؛ ج ۷، ص ۲۷۸؛ ح ۲؛ ص ۲۸۰؛ ح ۸؛ ج ۷، ص ۲۸۲؛ ح ۷؛ آیه ۹۷؛ ج ۲، ص ۴۰۵؛ ح ۷؛ ج ۲، ص ۴۰۴؛ ج ۱، ص ۳۷۸؛ ح ۲؛ ذیل مائده: ج ۷، ص ۲۴۶؛ ح ۵؛ ج ۷، ص ۲۴۷؛ ح ۸ و ۹؛ روایات ذیل سوره اعراف: ج ۱، ص ۱۵۸؛ ح ۶؛ ج ۲، ص ۴۰۸؛ ح ۱؛ ج ۲، ص ۱۲؛ ح ۲؛ سوره انفال: ج ۷، ص ۱۱۹؛ ح ۲؛ ج ۱، ص ۲۸۵؛ ح ۱؛ سوره توبه: ج ۲، ص ۴۶۴؛ ح ۳؛ ج ۲، ص ۴۱۱؛ ح ۱؛ ج ۲، ص ۴۱۱؛ ح ۳؛ ج ۱، ص ۳۸۸؛ ح ۷؛ ج ۱، ص ۱۶۳؛ ح ۵؛ ج ۱، ص ۳۷۸؛ ح ۲.

۹. محمد بن مسعود، عن جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی، عن عمرکی بن علی و حمدان بن سلیمان، عن محمد بن عیسی، عن یونس.

۱۰. البته سه روایت از این تعداد، به شرحی که خواهد آمد، از آن جا که دارای طریق دیگر نیز بودند (علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس)، با روش اسناد مشابه نیز بازیابی شدند. به این ترتیب، وجود دو قرینه اسنادی، بر احتمال گزارش این روایات از کتاب یونس افزوده است.

الف) روایاتی که با طریق شیخ طوسی یکسان هستند

سه روایت از روایات *الکافی*، ناظر به: «بقره: ۴۳؛ انعام: ۹۸ و نساء: ۱۱ روایت اول» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۸، ح ۶؛ ج ۲، ص ۴۱۸، ح ۴؛ ج ۷، ص ۸۴، ح ۱) و یک روایت در *تفسیر القمی* (علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۲۰۵)، ناظر به: «انعام: ۷۵»؛ با این سند: «علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن اسماعیل بن مرار، عن یونس»، با بخشی از طریق شیخ طوسی در *الفهرست* یکسان بود. دو روایت نیز، ناظر به: «بقره: ۲۴۸؛ توبه: ۱۱۵» (صدوق، ۱۳۷۹ش، ص ۲۸۴، ح ۲؛ همو، ۱۳۹۸ق، ص ۴۱۱، ح ۱۱) با بخشی از طریق شیخ در *الفهرست* یکسان بودند و دو روایت دیگر، ناظر به: «اعراف: ۲۸» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۵۹، ح ۵۹) و «انفال: ۷۵» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۲۶؛ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۱) با طریق شیخ طوسی در *مشيخة التهذيب* همانند بود.^{۱۱}

ب) روایاتی که با طریق نجاشی به کتاب یونس یکسان است

روایتی متناسب با «بقره: ۲۵۶» - که در *قرب الاسناد* (جمیری، ۱۴۱۱ق، ص ۳۳۳، ح ۱۲۳۵) گزارش شده است - با بخش انتهایی طریق نجاشی به کتاب های یونس یکسان است؛ علاوه بر این که صاحب این کتاب، خود، در طریق انتقال میراث مکتوب یونس به شیخ طوسی و نجاشی قرار دارد.

۳ - ۳. نقل مستقیم صاحبان کتاب از یونس

هفت روایت، به شرح زیر، روایاتی هستند که شیخ طوسی به طور مستقیم، از یونس نقل کرده است و براساس سخن وی در مقدمه *مشيخة التهذيب*، روایات از اصل اثر مکتوب نقل شده اند:^{۱۲}

متناسب با: «مائده: ۳۳» (دو روایت)؛ «مائده: ۱۰۶ و نساء: ۲۴» (دو روایت) و «نساء: ۲۵ و ۹۲»، به ترتیب، در *تهذيب الاحکام* نقل شده اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۱۳۴، ح ۱۴۶؛ ج ۱۰، ص ۱۳۳، ح ۱۳۳ و ۱۳۴؛ ج ۹، ص ۱۷۸؛ ج ۱۰، ص ۱۲، ح ۲۷؛ ج ۱۰، ص ۱۶، ح ۴۳؛ ج ۱۰، ص ۱۲، ح ۲۹؛ ج ۱۰، ص ۱۵۶، ح ۴).

۱۱. البته روایات ذیل سوره های توبه و اعراف و انفال از طریق سند مشترک نیز بازمیابی شده بود.

۱۲. شیخ طوسی در پایان *تهذيب* (المشيخة، ص ۴) به تصریح و در *الاستبصار* (ج ۴، المشيخة، ص ۳۰۵) به تلویح یادآور می شود احادیثی که آغاز سلسله سند آنها حذف شده، از کتاب یا اصل آن راوی اخذ شده که نام او در آغاز بخش منقول از سلسله سند آمده است.

یادآوری چند نکته نیز در این بخش لازم است:

اول، این که همان طور که پیش تر گفته شد، به دلیل تنوع موضوعی نگاهشده های یونس، احتمال این که بعضی از روایات گردآمده، با موضوعات اخلاقی، فقهی و اعتقادی، از نگاهشده های غیر تفسیری یونس اخذ شده باشند، خالی از وجه نیست.

دوم، این که می توان ادعا نمود، روایات تفسیری یونس بن عبدالرحمن گردآوری او بوده است، نه طریق وی به کتاب های راویان دیگر؛ زیرا در هشتاد روایت بازیابی شده، در طبقه مشایخ و مشایخ مشایخ یونس، در مجموع، هفت نفر صاحب کتاب تفسیر بوده اند^{۱۳} که بر اساس یافته های پژوهش، یونس، از هر کدام از ایشان، تنها یک روایت نقل نموده است.

۴. تحلیل نتایج بازیابی کتاب تفسیر یونس بن عبد الرحمن

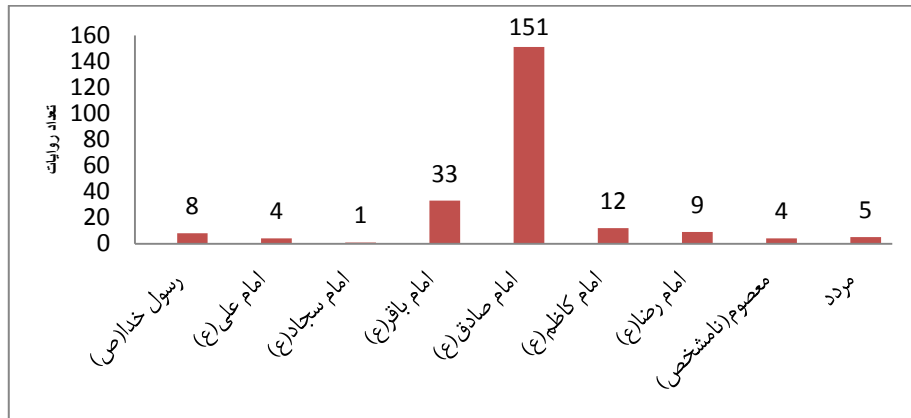
حاصل بازیابی اولیه، ۲۰۹ روایت تفسیری است^{۱۴} که نام یونس بن عبدالرحمن در طریق آنها دیده می شود. این روایات، نظریه نسبت تبیینی و ارتباط موضوعی با آیات، ذیل ۲۲۶ آیه از هفتاد سوره قرآن گزارش شدند و ذیل ۴۴ سوره دیگر، روایتی به دست نیامد.^{۱۵} بنا بر این، می توان ادعا نمود، کتاب تفسیر یونس، ذیل بیشتر سوره های قرآن (نه بیشتر آیات) روایت داشته است و تفسیر او، گزینشی از روایات معصومان علیهم السلام در تبیین مدالیل و آموزه های قرآنی بوده است. این روایات - آن چنان که در نمودار پیش رو ملاحظه می شود - از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین، امام زین العابدین، امام محمد باقر، امام جعفر صادق، امام موسی بن جعفر و امام علی بن موسی علیهم السلام گزارش شده اند. بیشترین تعداد گزارش روایات از امام صادق علیه السلام است.

۱۳. حسن بن محبوب، هشام بن سالم، محمد بن علی بن ابی شعبه حلبی، مفضل بن صالح، محمد بن سنان زاهری، زیاد بن منذر (ابوالجارود) و علی بن ابی حمزه بطنانی.

۱۴. با احتساب ۲۱ روایتی که ذیل چند آیه تکرار شده اند، این رقم به ۲۲۹ روایت می رسد.

۱۵. همان طور که یاد آور شدیم، ممکن است بعضی از روایات گزارش شده در پژوهش، متناسب با آیات دیگر در این ۴۴ سوره نیز باشند، ولی در این باره، گزارش اکثر تفاسیر روایی، مبنای پژوهش قرار گرفت.

شمار روایات تفسیری یونس بن عبد الرحمن از معصومان علیهم السلام در کل قرآن



۱-۴. مصادر روایات تفسیری

بیشتر روایات یونس، نقل با واسطه از معصومان علیهم السلام بوده است. قابل توجه، این که در میان این گزارش‌ها، هیچ نقلی از غیر معصومان (اعم از صحابه و تابعین و اصحاب امامان علیهم السلام) دیده نشد. بیشتر روایات یونس، با یک یا دو واسطه، از معصومان علیهم السلام نقل شده است. کاوش در شرح حال این گروه - چنان که در نمودار پیش رو خواهد آمد - نشان می‌دهد که یونس بیشتر روایاتش را از راویان امامی، صحیح‌المذهب و ثقه گرفته است. البته او از راویان عامی و امامی غیر صحیح‌المذهب (زیدی، فطحی و واقفی) نیز روایت اخذ نموده است که این امر با توجه مبنای اصحاب در اخذ حدیث (توجه به محتوا و اخذ از راویان ثقه و لو فاسد‌المذهب یا غیر امامی)، دور از انتظار نیست و به سبب شخصیت مورد اعتماد یونس، خدشه‌ای به اعتبار کتاب وی وارد نخواهد ساخت.

در میان اساتید تفسیری یونس، در دو بیست و نه روایت تفسیری، ابوبصیر، با حضور در بیست و شش سند، سهم بیشتری را در انتقال آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام به کتاب تفسیر داشته است که یونس گاهی با واسطه و گاهی بی‌واسطه، از او روایت نقل کرده است.

۲-۴. راویان روایات تفسیری

در سیرانتقال میراث تفسیری یونس به منابع پسین، راویان زیادی سهم داشتند. با بررسی‌های انجام شده در شرح حال راویان هشتاد روایت مربوط به ده جزء اول قرآن، تعداد این راویان به پنجاه نفر رسید. نکته قابل توجه این که در میان این تعداد، راوی ضعیف و

حتی غیرامامی دیده نشد^{۱۶} (حاصل این بررسی در نمودار پیش رو نشان داده شده است).
 پُرروایت‌ترین آنها، محمد بن عیسی بن عبید یقطینی است. در باره این راوی پُرکار، اختلاف
 قابل توجهی در میان رجالیان متقدم دیده می‌شود (ر.ک: طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۰۲؛ همو،
 ۱۳۷۳ق، ص ۳۹۱ و ۴۴۸؛ کشی، پیشین، ص ۵۰۷ و ۵۳۷، ش ۱۰۲۱؛ نجاشی، پیشین،
 ص ۳۳۳، ش ۸۹۶؛ ابن داود، ۱۳۴۲ش، ص ۵۲۸؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۸ و ۱۴۲) که گاهی
 سبب طرح مباحث مبسوطی در منابع متأخر شده است. اتخاذ مبنا در این مورد، سبب
 می‌گردد که شمار زیادی از روایات (در خصوص این پژوهش، روایات تفسیری) یک راوی
 پُرکار، هم عصر و مورد عنایت معصومان علیهم السلام به جمع روایات صحیح‌السند پیوندد و یا از
 این گردونه خارج گردد.

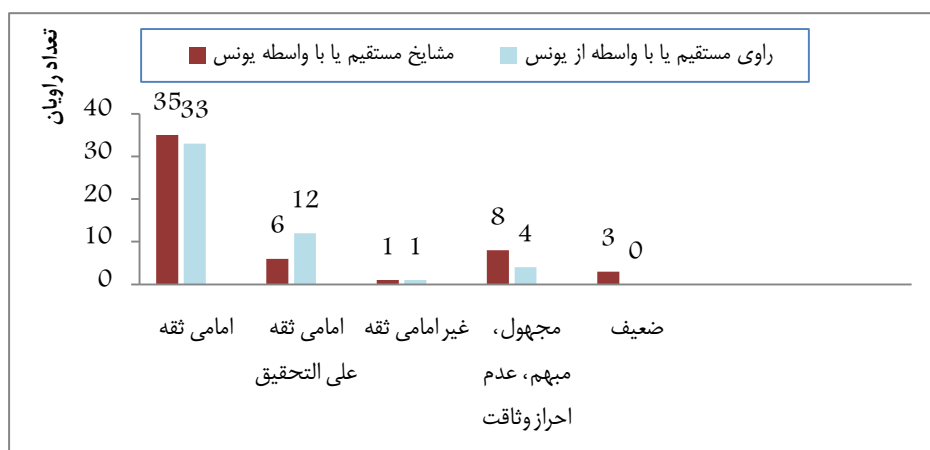
دو نکته در باره این شخصیت حدیثی مورد توجه و گاه اختلاف رجالیان، قرار گرفته
 است: یکی، اصل وثاقت وی و دیگری، اعتبار روایات او از یونس که بحث از آن از گنجایش
 این مقاله خارج است و تنها به این نکته بسنده می‌کنیم که اصل وثاقت او، از نگاه بیشتر
 رجالیان متقدم ثابت و مورد اتفاق رجالیان متأخر است، ولی در اعتماد به منفردات روایی
 وی از یونس، شاهد اختلاف نظر هستیم؛ گرچه، رأی غالب، اعتماد بر آن بوده و استثنای
 منفردات او از یونس بن عبدالرحمن، برخاسته از نظر اجتهادی ابن ولید است که از نظر
 بیشتر رجالیان قابل قبول نیست (ر.ک: بحرانی قطیفی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۰۸؛ ماماقانی،
 بی تا، ج ۳، ص ۴۸۱؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۷، ص ۱۱۶ - ۱۱۸؛ منتظری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص
 ۴۲۸؛ احسانی فر، ۱۴۰۸ق، ص ۸۶ - ۸۸). بنا بر این، در سنجش اعتبار روایات کتاب تفسیر
 یونس، روایاتی را که وی در سند آنها حضور دارد، از نوع صحیح اجماعی^{۱۷} لحاظ گردید و با
 این حال، در باره گزارش منفردات وی از یونس، با وجود اعتبار، جهت اطمینان بیشتر،

۱۶. از مجموع پنجاه راوی - که در انتقال این بخش از میراث مکتوب یونس بن عبدالرحمن سهمیم بوده اند - ۴۶ نفر امامی
 و ثقه هستند (دوازده راوی از میان آنها با عنوان ثقة علی التحقیق نام برده شده و یک راوی نیز ثقه، ولی متهم به واقفی
 بودن است که نسبت وقف به او ثابت نیست. در صورت صحیح بودن این نسبت نیز ادعای پژوهش این است که
 راویان امامی، در دوران صحت مذهب از وی اخذ روایت نموده‌اند و بدین ترتیب، حضور او، به صحت سند خدشه
 وارد نخواهد نمود). سه راوی مجهول و یک راوی مهمل نیز در این بخش دیده می‌شود.

۱۷. در پژوهش حاضر، اصطلاح «صحیح اجماعی» در باره سند روایاتی به کار می‌رود که وثاقتشان به اجماع رجالیان
 ثابت است و «صحیح مبنایی» در سند روایاتی که یک یا چند تن از راویان آن در منابع متقدم بروثاقت یا ضعفشان
 تصریح نشده باشند یا مورد اختلاف باشند و یا به دلایل بیرونی از قول ایشان، اطمینان حاصل نمی‌گردد و براساس
 مبانی توثیق عام، نظیر قاعده اکثار و نقل مشایخ ثقات از راوی، توثیق شده باشند (برای آشنایی بیشتر با قواعد توثیق
 عام، ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۵۷ - ۱۵۸).

روایات هم مضمون یا با طریقی متفاوت را از روایت کاوش نمودیم.

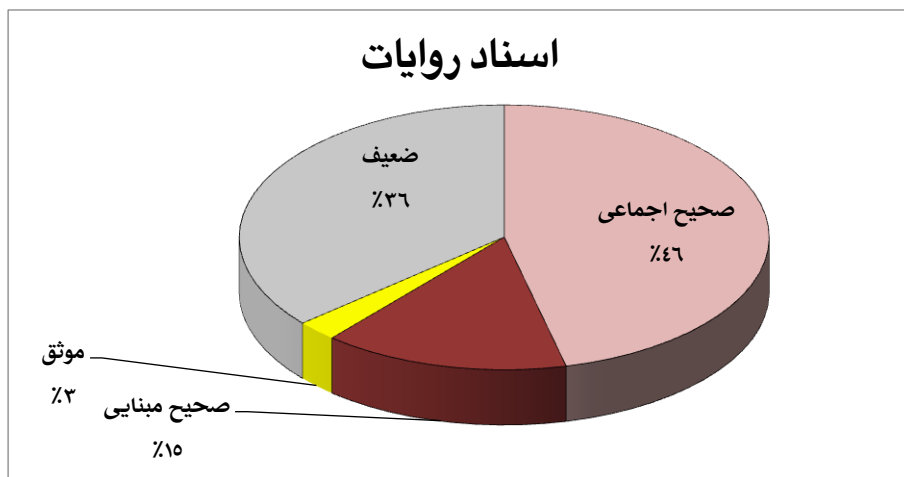
راویان یونس بن عبد الرحمن در روایات ده جزء اول قرآن



۵. اعتبار سنجی روایات کتاب تفسیر یونس

از آن جا که پس از دست یابی به روایات کتاب یونس، حصول اطمینان از اعتبار روایات و درستی یافته‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد، به سنجش اعتبار هشتاد روایت از مجموع روایات، با نگاهی جامع به سند، متن و منبع اقدام نمودیم و با کاوش در زنجیره روایان، شرح حال آنان، اعتبار مصادر نقل و پی جویی مؤیدهای محتوایی، داوری شد. لازم به یادآوری است که علاوه بر مؤلفه‌های مذکور، در روایاتی که انتساب آنها به آثار یونس (با روش‌های متعدد بازیابی) قریب به یقین رسید، این انتساب، قرینه دیگری بر اعتبار آنها بر مبنای اعتبار سنجی قدما خواهد بود؛ هر چند بنا بر مبنای رجالیان متأخر، دارای اسناد ضعیف باشند.

در بررسی سند هشتاد گزارش روایی، روایات صحیح اجماعی، صحیح مبنایی، موثق و ضعیف، به ترتیب: ۳۷، ۱۲، ۲، ۲۹ روایت است که در نمودار اسناد روایات منعکس شده است. از میان روایات ضعیف، جز سه روایت گزارش شده در تفسیر العیاشی، سایر روایات، با کمک قراین اعتبار منبع و مؤید محتوایی یا یکی از این دو قرینه، به جرگه روایاتی پیوستند که از اعتبار لازم یا نسبی برخوردار هستند. این سه روایت، به دلیل فقدان سند صحیح و منبع معتبر و انفراد محتوا فاقد اعتبار لازم شناخته شدند، ولی از آن جا که با اصول مسلم مذهب و عقل تعارضی ندارند، پیشنهاد مقاله توقف در رد یا پذیرش محتوای آنها است.



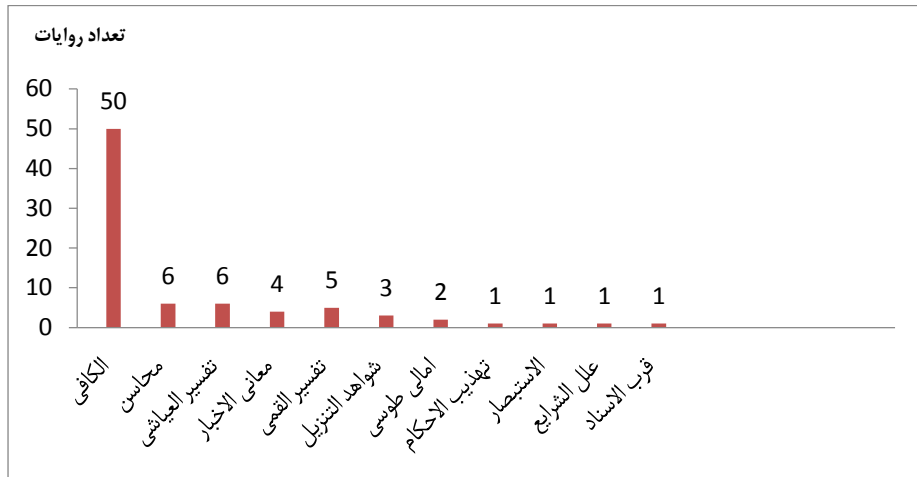
هم چنین، دو عامل ضعفِ راوی و عدم اتصال سند (به ترتیب، در دوازده و پانزده روایت)،^{۱۸} عوامل ضعف بیست و نه روایت بوده‌اند. نکته قابل توجه، این است که در میان روایاتِ واجدِ سند، رفع، ارسال و راویان ضعیف تنها در اسناد روایات یونس تا امام علیه السلام مشاهده شد و در طریق صاحبان منابع به کتاب یونس، راوی ضعیف دیده نشد و به جز شش روایت تفسیر العیاشی، ارسال هم مشاهده نگردید (در این مسیر، تنها عامل ضعف، راوی مجهول، مبهم، مردد و راویانی بود که وثاقت آنها اثبات نگردید). این امر بر اطمینان ما از سیر انتقال احادیث یونس به منابع پس از وی می‌افزاید و به دلیل وثاقت و شأن یونس، ضعف طریق وی تا معصومان علیهم السلام نیز از اعتبار روایات وی نمی‌کاهد. از لحاظ منبع و با نگاه متقدمان نیز، بیشتر روایات کتاب تفسیر یونس به منابع معتبر روایی راه یافته و از اعتبار منبع برخوردارند.

نمودار فراوانی روایات ده جزء اول، در اولین منبع متقدم، در ادامه قابل ملاحظه است. بر اساس نتایج این نمودار، از میان این منابع، *الکافی*، با راهیابی پنجاه روایت، منبعی است که بیشترین روایات تفسیری یونس در بیش از ده جزء قرآن را گزارش نموده است. اگر به این تعداد، هفت روایتی را اضافه نماییم که *المحاسن* و *تفسیر القمی*، اولین منبع و *الکافی* منبع دوم گزارش آنها از لحاظ قدمت محسوب شده است، این تعداد به ۵۷ روایت می‌رسد.^{۱۹}

۱۸. در دو روایت هم دو عامل اول، سبب ضعف بوده‌اند.

۱۹. از ۵۶ روایت گزارش شده در *الکافی*، تعداد هفت روایت، به *التهدیب* و *الاستبصار* و سیزده روایت به *تهدیب الاحکام*

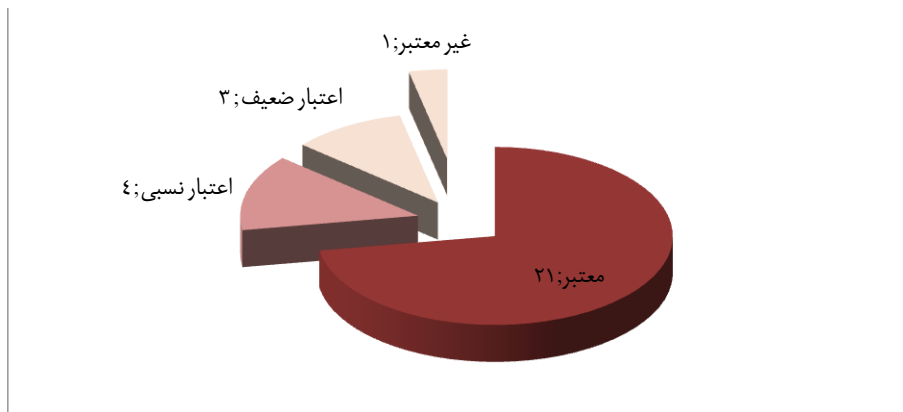
منابع روایی گزارش‌گر احادیث تفسیری یونس در ده جزء اول



بنا بر این، ۵۹ روایت از این مجموعه، به کتب اربعه راه یافته‌اند. چهارده روایت نیز در منابعی گزارش شده است که از ملاک‌های اولیه اعتبار (اعتبار متن، سند و منبع) برخوردار هستند.^{۲۰} منبع سه روایت گزارش شده در *شواهد التنزیل* نیز، گرچه از تألیفات یک عالم عامی مذهب گزارش شده است، ولی از اعتبار خوبی برخوردار است و دو روایت از آنها با برخورداری از سند صحیح و مؤید محتوایی، حایز اعتبار کافی هستند. روایت سوم نیز با وجود ضعف سند، مقبولیت محتوا و وجود احادیث هم‌مضمون اعتبار کافی به آن بخشیده‌اند. یازده روایت نیز در منابعی (*تفسیر القمی* و *تفسیر العیاشی*) گزارش شده‌اند که اعتبار لازم را ندارند. از این تعداد نیز، یک روایت با سند صحیح، و شش روایت، با برخورداری از مؤیدهای محتوایی، دارای اعتبار نسبی هستند و تنها سه روایت گزارش شده در *تفسیر العیاشی*، به دلیل فقدان سند و انفراد محتوا اعتبار ندارند و یک روایت ناظر بر «بقره: ۱۰۶»، با وجود آن که از صحت سند، تعدد طریق و اعتبار منبع برخوردار است، فاقد هرگونه اعتبار تشخیص داده شد؛ زیرا محتوای آن با اصول قطعی و نصوص مسلم ما در تعارض بوده و ظاهراً در موقعیت تقیه صادر گردیده است (خویی، ۱۳۹۶ق، ج ۱، حاشیه ص ۱۹۶).

اعتبار محتوایی روایات تفسیری یونس در ده جزء اول

نیزراه یافته است و هشت روایت در کتاب‌های شیخ صدوق نیز گزارش شده است.
 ۲۰. المحاسن، معانی الاخبار، امالی الطوسی، قرب الاسناد و علل الشرایع، به ترتیب، با گزارش ۶، ۴، ۲، ۱ و ۱ روایت.



۶. تحلیل محتوایی روایات

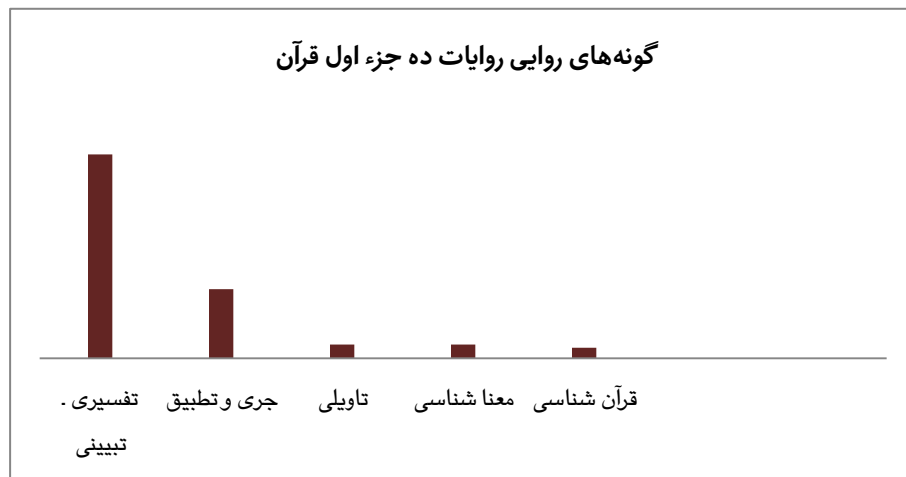
موضوعات مختلف اعتقادی و کلامی (توحید، قضا و قدر، صفات خدا، نبی و امام و علم آنها، بهشت و جهنم، عالم ذر، مفهوم ایمان، اسلام، یقین، شک، آخر الزمان و...)، باورهای شیعی، فقه (بیشتر در موضوع ارث، قتل و زنا)، فلسفه احکام و اخلاق (صبر و حلم، صلّه رحم، انفاق و...) با تفاوت در میزان فراوانی، در روایات تفسیری یونس بن عبد الرحمن دیده می‌شود. البته موضوع اعتقادات شیعی، با محوریت ولایت، بیشترین روایات را به خود اختصاص داده است که در چهار گونه تبیینی (تفسیری، تأویل، جری و تطبیق و شأن نزول) ارائه گردیده است. پس از آن، داده‌های فقهی، موضوع بیشتر روایات است.

فراوانی دو موضوع فقه عملی و باورهای شیعی، از سویی با شخصیت علمی معرفی شده از یونس بن عبد الرحمن، در ارتباط است و از سوی دیگر، با شرایط اجتماعی و عقیدتی جامعه در دورانی که وی می‌زیست (تأسیس مذاهب فقهی مختلف در زمان امام صادق علیه السلام و انشعابات مذهبی درون شیعی و انحراف از مسیر ولایت، همانند اسماعیلیه، فطحیه و واقفیه در دوران زندگی او) سازگار است.

تبیین اصطلاحات قرآنی در باره گروه‌های مردم (همانند اصحاب اعراف، مستضعفین، مؤلفه قلوبهم، مرجون لأمر الله و...) و اصطلاحاتی نظیر مستقر و مستودع، ایمان، اسلام، یقین، تقوی، توکل، تسلیم، رضا، سکینت، روح، اثم، فواحش، لمم، کبائر، احصان، توبه نصوح و... از ویژگی‌های محتوایی روایات تفسیری کتاب تفسیر یونس است. فقدان یا کم بودن برخی از موضوعات نیز در مجموعه بازبایی شده از روایات این کتاب، قابل توجه است. در این روایات، تطبیق آیه بر افراد، جز با محوریت ولایت (مثل تطبیق بر ائمه علیهم السلام، پیروان یا مخالفان

ایشان) دیده نمی‌شود. بیان حوادث تاریخی نیز اندک و تنها در این محور دیده می‌شود (نظیر داستان اصحاب کساء و ماجرای مکالمه میان عمار و عثمان در جریان حفر خندق). روایات شأن نزول نیز تنها در حوزه ولایت ائمه علیهم‌السلام گزارش شده‌اند. پرداختن به قصص قرآنی، نظیر داستان امت‌ها و پیامبران پیشین و جزئیات تاریخی، نیز جز ماجرای حضرت موسی و خضر علیهم‌السلام به چشم نمی‌خورد. در این مورد نیز، روایت، به نکات معرفتی آن پرداخته است، نه جزئیات تاریخی. هم‌چنین، اشاره به قرائات و نکات ادبی، معنای لغوی واژگان، استشهاد به شعر و کلام عرب، و فضایل آیات و سوره دیده نمی‌شود.

بررسی محتوایی روایات ده جزء اول قرآن (تا پایان سوره توبه)، نشان می‌دهد که در حوزه گونه‌های دلالی (برای آشنایی با این گونه‌ها، رک: راد، ۱۳۹۳ش، ص ۱۷ - ۲۸)، این بخش از آموزه‌های کتاب تفسیر، بیشتر در جهت تبیین آیات (از راه تعمیم، تفصیل، تبیین اصطلاحات، بیان مصداق، استفاده از آیات و...) هستند و در مرتبه بعد، از نظر فراوانی، روایات جری و تطبیق، با محوریت ولایت قرار دارند. در این میان، از گونه سوره و آیه شناخت (قرآن‌شناسی)، دو روایت به تسمیه و شمارگان آیات سوره حمد پرداخته‌اند که رویکرد آن نیز بیشتر عقیدتی است تا سوره‌شناختی. دو روایت شأن نزول (در سوره آل عمران و نساء) نیز در شأن ائمه علیهم‌السلام گزارش شده‌اند. نمودار ذیل فراوانی گونه‌های روایات تفسیری یونس در ده جزء اول قرآن را نشان می‌دهد:



نتایج

کتاب تفسیر یونس در شمار تفاسیر روایی قرن سوم هجری از امتیاز تدوین در عهد حضور

برخوردار است. بنا براین، ادعای تأثیر جدی روایات وی بر تفسیر امامیه، ادعایی بجا خواهد بود. از سوی دیگر، تأیید مکرر امامان بردین، دانش و شخصیت او، سخت‌گیری در پذیرش احادیث، از او، شخصیتی مورد اعتماد نزد عالمان پسین ساخته و طبیعی می‌نماید که علوم و معارفی که از طریق روایات وی گسترش یافته، مورد اعتماد آنان قرار گرفته و به سرعت به منابع حدیثی راه یافته باشد. طرح بیش از بیست طریق به کتاب‌های او توسط شیخ طوسی، نشان از نسخه‌برداری‌های متعدد از نگاشته‌های او دارد، و در جای خود، نشانه ارزش کتاب و رواج آن در دوره‌های پسین است و قرینه‌ای است بر اثبات ادعای تأثیر.

با توجه به فراوانی نقل روایات گونه جری و تطبیق با محوریت امامت و ولایت، می‌توان احتمال داد که از ثمرات این موضوع، پذیرش و نگاه مثبت جامعه شیعی به روایات تأویلی و گسترش رویکرد محدثان و مفسران امامیه به این گونه از روایات بوده باشد، و با پیش‌گفته‌های شخصیتی از یونس، فرضیه پژوهش مبنی بر قابلیت بازایی اکثری تفسیر یونس بن عبدالرحمن، تأیید می‌گردد؛ چرا که می‌توان ادعا نمود، نگارندگان دوره‌های بعد، از گزارش کمتر روایتی از او فروگذار نموده باشند. بنا براین، بیشتر روایات وی به منابع پسین راه یافته و حفظ شده است. با اثبات تعلق ۵۸ روایت به کتاب‌های یونس، در باره این روایات، اولین و مهم‌ترین ثمره پیش‌گفته بر بازایی (شناسایی روایات کتاب‌های مورد قبول فقها و محدثان قدیم شیعه و مورد تأیید ائمه علیهم‌السلام) حاصل گردیده و بدین ترتیب (بر مبنای قدما)، می‌توان بر صحت این روایات، و لو ضعیف السنند، حکم نمود.

طبیعی است که صدور چنین حکمی، در باره سایر روایات، در حد احتمال باقی خواهد ماند (مقصود روایاتی است که در تحلیل سندی، انتساب آنها به نگاشته‌های یونس در حد احتمال باقی ماند)؛ گرچه ما در جای خود، اعتبار بیشتر این روایات را ثابت نمودیم. با پژوهش‌های ابتدایی، که در روایات بیست جزء آخر صورت گرفت، می‌توان ادعا نمود که انتساب بیشتر این روایات نیز به آثار مکتوب یونس، با قواعد بازایی قابل اثبات است. در خلال روایات تفسیری ما به روایات متعددی از یونس، برخوردیم که گاه عین عبارات و گاه محتوای آن با اندکی تفاوت در تفسیر العیاشی نیز از همان راوی گزارش شده بود.

وجود راوی مشترک از امام، احتمال این‌همانی روایت عیاشی را زیاد می‌کرد. به این ترتیب، این گروه از روایات تفسیر العیاشی از اعتباری که به دلیل حذف سند، از دست داده‌اند، برخوردار خواهند گردید. این موضوع، با توجه به جایگاه و اعتبار نویسنده آن، «محمد بن مسعود عیاشی» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

برآیند روایات تفسیری یونس، بیان گرنقش دو مبنای بنیادی در نظریه تفسیری او است:

یک) مرجعیت معصومان در تفسیر قرآن

این مبنا از گزارش روایات متعدد قرآنی او از معصومان علیهم السلام و نگاشتن تفسیر روایی هویدا است و از محتوای برخی از آنها می‌توان نتیجه گرفت از نظریونس، نقش عترت پیامبر در مرجعیت تفسیری، همان نقش پیامبر است و بازتاب و مکمل آن. عدم وجود گزارشی از اقوال صحابه و تابعین، در میان روایات یونس می‌تواند نشان باورمندی وی به عدم شائیت غیر معصومان در تفسیر قرآن یا عدم اعتماد او به تفسیر غیر معصومان باشد.

دو) باورمندی به معانی باطنی آیات

وجود روایات قرآنی متعدد، با مفاهیم و مصادیق تأویلی و بطنی و پرداختن به واژگان یا عبارات قرآن، با شیوه جری و تطبیق، نشان از باورمندی یونس به معانی فراطاهری و مصادیق فرازمانی قرآن دارد. شایان ذکر است که وجود یا عدم وجود برخی گونه‌ها (همانند روایات فضایل آیات و سوره، قرائات، نکات ادبی، معانی لغوی واژگان و...) یا موضوعات (همانند تاریخ انبیا، شأن نزول در غیر از حوزه ولایت) در میان روایات وی ممکن است ناشی از برخی مبانی وی باشد، ولی به همان مقدار نیز ممکن است تحت تأثیر نیاز جامعه و شرایط زمان بوده باشد. البته نقش دیدگاه صاحبان منابع گزارش کننده روایات و شرایط اجتماعی ایشان نیز نباید از نظر دور بماند که این موضوع خود، پژوهشی دیگر می‌طلبد.

پیشنهادها

در خلال این پژوهش، پرسش‌ها و مسأله‌های جدیدی مطرح گردید که به دلیل محدودیت زمان و حجم تحقیق، پرداختن به آنها میسر نگردید و بی‌شک، نتایج آنها به پر بار شدن نتایج و اهداف کلان پژوهش کمک شایانی خواهد نمود، این پرسش‌ها به اختصار، طرح و فرضیاتی به اجمال و در قالب سؤال و احتمال ارائه می‌گردد. شاید عرصه‌ای برای درنگ‌های دانشیان را فراهم آورد.

۱. با توجه به این که در زنجیره سند بسیاری از روایات تفسیری یونس بن عبدالرحمن، شاگرد معروف وی، «علی بن ابراهیم» (صاحب تفسیر معروف به تفسیر القمی) حضور دارد و او یکی از روایانی است که نامش در چند طریق از طرق انتقال کتاب‌های یونس دیده می‌شود، جای این سؤال است که به چه دلیل تعداد معدودی از روایات تفسیری یونس (تنها

پنج روایت در ده جزء اول) به تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم راه یافته است؟ با توجه به اطلاعات مربوط به نحوه گردآوری و انتساب تفسیر کنونی به علی بن ابراهیم، آیا این امر ناشی از حذف‌های گزینشی گردآورنده این تفسیر است؟ به این ترتیب، نتیجه حاصل از آن، می‌تواند تأثیر یا نگاه جدیدی نسبت به تفسیر کنونی منسوب به وی و شخصیت و دیدگاه گردآورنده آن به یونس یا روی‌کرد روایی وی داشته باشد.

۲. در خلال پژوهش در روایات ناظر بر بیست جزء دوم، شاهد بیست و شش روایت از یونس بودیم که در تأویل الآیات گزارش شده، ولی در منابع متقدم بر آن گزارش نشده‌اند. علت عدم راهیابی آنها به منابع متقدم و بررسی محتوا و سند آنها ممکن است به نتایج جدید چند سویه بیانجامد.

۳. با توجه به اندک بودن برخی از گونه‌های روایی (همانند آیه و سوره‌شناخت و معناشناخت) و برخی موضوعات تفسیری (مثل تاریخی و قصص انبیا)، جای این سؤال است که علاوه بر آنچه در نتایج کلی پژوهش گفته آمد، آیا معیارها و عوامل دیگری، در گزینش روایات تفسیری، توسط یونس بن عبدالرحمن دخالت داشته‌اند؟

۴. حدود یک صد و هیجده روایت مربوط به آموزه‌های قرآن از طریق علی بن ابی حمزه بطائنی به تفاسیر امامیه و مجموعه‌های روایی، راه یافته است. با توجه به اثبات رابطه روایی میان او و یونس - که در جایگاه استاد روایی یونس قرار دارد - در علت این که تنها سه روایت، با محتوای تفسیری، توسط یونس بن عبدالرحمن از بطائنی روایت شده است، دو فرضیه به ذهن می‌رسد:

الف) آیا انحراف مذهب علی بن ابی حمزه از یک سو و روحیه سخت‌گیرانه و ولایت‌مدار یونس، از سوی دیگر، در این امر تأثیر داشته است؟ یا روی‌کرد و معیارهای خاصی که وی در گزینش کلیه روایاتش داشته است؟ (فرضیه اول با توجه به سخت‌گیری که از یونس در نقل روایات گزارش شده است، به واقع نزدیک‌تر است).

ب) آیا این موضوع می‌تواند قرینه‌ای بر این ادعا باشد که یونس بن عبدالرحمن کتاب تفسیر خود را پس از رحلت موسی بن جعفر علیه السلام، یعنی دوره امامت هشتم علیه السلام و پس از انحراف علی بن ابی حمزه تألیف نموده است؟

امید که پژوهش حاضر توانسته باشد گامی در راه دست‌یابی به آموزه‌های تفسیری قابل اعتماد معصومان علیهم السلام و آگاهی از عملکرد و نگرش ایشان و اصحاب به تفسیر بردارد.

کتابنامه

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد علی، معالم العلماء، بی جا، بی تا.
- بحرانی قطیفی، شیخ أحمد آل طعان، رسائل الاحمدية، قم: دارالمصطفى ع لإحياء التراث، ۱۴۱۹ق.
- بغدادی، محمد بن اسحاق بن ندیم، فهرست ابن الندیم، تحقیق: رضا تجدد، بی جا، بی تا.
- شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم: انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۹ق.
- تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ق.
- حسکانی، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزیل، تحقیق: محمد باقر محمودی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- حلی، حسن بن علی بن داود، الرجال، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، نجف: دار الذخائر، دوم، ۱۴۱۱ق.
- حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، تحقیق: مؤسسه آل البيت ع، قم: مؤسسه آل البيت ع، ۱۴۱۳ق.
- خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
- _____، مبانی تکملة المنهاج، قم: انتشارات العلمیه، دوم، ۱۳۹۶ق.
- سبحانی، جعفر، اصول الحديث واحكامه فی علم الدراية، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۱۲ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، التوحید، تحقیق و تصحیح: هاشم حسینی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، اول، ۱۳۹۸ق.
- _____، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامی، دوم، ۱۳۹۵ق.
- _____، معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، دوم، ۱۳۷۹ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم:

- دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، اول، ۱۴۱۴ق.
- ، تهذيب الاحكام، تحقيق: حسن موسى خرسان، تهران: دارالكتب الاسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- ، الرجال، تحقيق جواد قيومي اصفهاني، قم: موسسه نشر اسلامي وابسته به جامعه مدرسین، سوم، ۱۳۷۳ق.
- ، فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، قم: ستاره، ۱۴۲۰ق.
- ، كتاب الغيبة (كتاب الغيبة للحجة)، تحقيق: عبادالله تهراني و علي احمد ناصح، قم: دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
- ، عمادی حایری، سید محمد، بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل، تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۸ش
- ، عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی (التفسیر)، تحقيق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ش.
- ، قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
- ، کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، تحقيق: محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی مشهد: موسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
- ، کلباسی، ابوالهدی، سماء المقال فی علم الرجال، تحقيق: سید محمد حسینی قزوینی، قم: موسسه ولی العصر للدراسات الاسلامية، ۱۴۱۹ق.
- ، کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقيق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالكتب اسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- ، مامقانی، محمد حسن، غایة الآمال، چاپ سنگی، بی جا، بی تا.
- ، مردانی، مهدی، کتاب زید بن وهب جهنی: بازیابی یکی از نخستین نگاشته‌ها درباره خطب أميرالمؤمنین علی عليه السلام، قم: دلیل ما، ۱۳۹۳ش.
- ، مدرسی طباطبایی، سید حسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه: سید علی قرایی و رسول جعفریان، قم: نشر مورخ، ۱۳۸۶ش.
- ، منتظری، حسین علی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، قم: المركز العالمی للدراسات الإسلامية، ۱۴۰۸ق.

- موسوی خمینی، روح الله، المكاسب المحرمه، حواشی: مجتبی تهرانى، قم: مركز چاپ و نشر اسماعیلیان، ۱۳۶۸ ش.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ششم، ۱۳۶۵ ش.
- احسانی فر، محمد مهدی، «بررسی اصل رجالی وثاقت رجال نوادر الحکمة»، حدیث حوزه، شماره ۱، ۱۳۸۹ ش، ص ۲۳ - ۵۶.
- راد، علی، «شیوه‌های بازیابی میراث مفقود اسلامی (معرفی کتاب کتب التراث بین الحوادث و الانبعاث، حکمت بشیر یاسین)»، آینه پژوهش، شماره ۸۵.
- «گونه شناسی احادیث تفسیری از نظریه تا تطبیق»، تفسیر اهل بیت، ش ۳، ۱۳۹۳ ش، ص ۶ - ۳۵.